

بسم الله الرحمن الرحيم

آواره و پناهنده شدن مغزها

اخيراً نمایندگان و دست اندرکاران نظام استبدادی خمینی در اظهارات خود مجبور به اعترافات تکان دهنده ای شده اند، و این اعترافات، در عین حال که همه جانبه و در ابعاد گوناگون صورت میگیرند، فریبکارانه و از دو نظر گمراه کننده اند :

اولاً آنها سعی میکنند که مشاغل نظام استبدادی از زبان خودشان بیان شود تا از مخالفین نظام استبدادی پشی بگیرند، مشاکلی که یا همه آن را میدانند یا اقلماً مخالفین نظام استبدادی میتوانند آنها را درک و پیش بینی کنند .
ثانیاً آنها کوشش میکنند که مسائل را طوری بیان کنند که نظام استبدادی موردسؤال قرار نگیرد، مثل قتل‌های زنجیره ای که آنها را به امثال استاد تمساح و فلاحیان و اژه ای و نسبت میدهند و بدین وسیله اذهان را از خامنه ای و رفسنجانی دور میسازند، و همچنین با کلماتی مفاسد نظام استبدادی را بیان میکنند که گمراه کننده باشد، مثل آواره شدن و پناهنده شدن ایرانیان فرار کرده به کشورهای خارجی که آن را فرار مغزها نام میدهند!!

فرار مغزها پدیده ای شناخته شده است و عبارت است از مهاجرت اختیاری افراد و اشخاص متخصص، کاردان، و صاحب دانشی که در محیط خود نمیتوانند آن را بکار اندازند، و جهت بکارگیری آن و پیدا کردن کار متناسب و کسب درآمد بهتر، به کشورها و محیط‌های دیگر می‌روند. به عبارت روشنتر، فرار مغزها بیشتر یک پدیده اقتصادی و ناشی از بیکاری و شغل نامناسب و کم درآمد است، که این مسئله در درازمدت، میتواند به یک پدیده اجتماعی هم منجر شود. در این میان، افراد مهاجری که در پی شغل مناسب و درآمد بهتر بوده اند، هرگز با مشکله رفت و آمد و سفر به کشور خود روبرو نیستند و حتی افراد موفق محسوب میشوند .

اما آنچه که در نظامهای استبدادی از جمله در نظام استبدادی خمینی روی میدهد، فرار مغزها و مهاجر شدن مغزها از وضع نابسامان اقتصادی نیست، بلکه فرار مردم ایران، اعم از کاردان و عادی، از چنگ نظام استبدادی و مخربی است که ناچاراً و بدون اینکه امکان انتخاب داشته باشند از کشور خود فرار میکنند.

در قضیه فرار مغزها، افراد و اشخاص که فرار نمیکنند، بلکه مغزهایشان فرار میکنند و خودشان در رفت و آمد و در پی درآمد و زندگی بهترند، اما استعداد و کارشان در خدمت محیط خارجی است. اما مسئله فرار از چنگ نظامهای استبدادی، از جمله نظام خمینی، عکس آنست و افراد و اشخاصند که فرار میکنند نه مغزهایشان، و بلکه مغزها (لیاقتها) اکثراً تلف میشوند، و در خدمت کسی قرار نمیگیرد. زیرا این افراد بنا بر اختیار و برنامه ریزی و برای شغل خوب و برای زندگی و درآمد بهتر فرار نمیکنند، بلکه فشارهای نظام استبدادی و سرکوبگری و تبعیضات گسترده آنها را وادار به فرار میکند، و حتی معلوم نیست که سراز کجا در میآورند و کشور جدید، از نظر کار، ممکن است بهتر یا بدتر از کشور خودشان باشد. و از میلیونها ایرانی که اکنون در کشورهای خارجی آواره و پناهنده شده اند، شاید بیشتر از دوسه درصد، کار خوب و پر درآمد و متناسب با حرفه خود را نداشته باشند.

این نوع فرار، یک اقدام سیاسی محسوب میشود و میلیونها ایرانی خارج از کشور، سند روشن و کافی برای این واقعیت هستند، ایرانیانی که تا ثابت نکنند که جانشان در خطر است حق پناهندگی به آنها داده نمیشود، و الآن که نیاز کاری غرب کمتر شده وضع بدتر نیز شده است و کسان بسیاری در این میدان مظلوم واقع میشوند، خصوصاً در حال حاضر که نظام استبدادی خمینی مهار شده است.

یک آواره سیاسی، آب آورده ای است که در آوارگی اش نه اراده ای داشته، نه برنامه ای ریخته، نه کشوری مشخص کرده، نه کسان و خانواده اش در آن نقشی دارند، و نه حتی توانسته خدا حافظی کند!!، و در بعضی از اوقات همسر و فرزندان نیز همراهش نیستند!!، و عامل اصلی هجرت او نظام

استبدادی و سرکوبگری آنست . و چنین کسانی ، بدیهی است که از هر چیز خود بریده شده و امکان بازگشت به کشور خود را تا تغییر نظام استبدادی از دست میدهند ، و بسیارند کسانی که هرگز امکان دیدار مجدد با اقوام و بستگان خود را پیدا نمیکنند!! ، این هم شد فرار مغزها و رفتن به دنبال کار بهتر و زندگی خوبتر و بکارگیری استعدادها و کاردانیها؟! ، بگذریم از کسان و اشخاص بسیاری که در راه نجات از نظام استبدادی و سرکوبگریها و سیاهچالها و اعدام شدن ، جان خود و جان همسر و فرزندان شان را هم از دست داده اند .

اخیراً در نظام استبدادی خمینی نوع دیگری از مهاجرت پیدا شده که واقعاً حتی برای مستبدین بی آبرو هم رسوا کننده است ، و آن اینست : اکثر کسانی که از طرف نظام استبدادی خمینی به خارج اعزام میشوند ، اعم از دانشجو ، ورزشکار ، هیئتهای علمی و به کشور تحت سلطه استبداد خمینی باز نمیگردند ، و به کشوری که سفر کرده اند پناهنده میشوند!! ، و این نوع جدید نه فرار مغزها است و نه فرار افراد و اشخاص است ، بلکه پناهنده شدن کسانی است که با هزینه نظام استبدادی و برنامه آن به کشورهای مختلف اعزام میشوند و بیانگر ریزش خطرناک برای نظام استبدادی خمینی است ، و ریزش نیروی انسانی از طریق پناهنده شدن به کشورهای خارجی است ، و این را اخیراً یکی از نمایندگان مجلس استبدادی و وابسته به جریان « بازسازان استبداد » ، جمیله کدیور ، نیز صریحاً بیان داشته و در این رابطه چنین اظهار میدارد :

اصلاحات (بازسازی استبداد ، که زمینه آن را هم ندارد!!) آخرین پناه نظام و انقلاب است . طبق آمار اداره گذرنامه ، تنها در سال گذشته هزاران نفر!! با مدارک عالیه!! ترک وطن!! کرده اند ، همچنین ۸۰ درصد برگزیدگان المپیادهای علمی!! (اعزام شدگان به خارج) طی سالهای اخیر در بهترین دانشگاههای جهان توسعه یافته!! جذب شده اند و هیچ امیدی به بازگشت مجدد آنها به کشور وجود ندارد!! ، وی اضافه کرده : به این ترتیب ، سالانه به طور متوسط دو میلیارد دلار سرمایه!! (یک دهم خزانه سالانه) از این طریق از کشور خارج میشود!! (به ریش خامنه ای!!) . نقل از روزنامه آفتاب یزد ، این موضوع عنوان اصلی روزنامه قرارداد شده است . تأکیدها و پرانتزها از ماست .

همین نماینده در ادامه سخنانش میگوید که این وضعیت موجب بی اعتبار شدن کشور (رسوایی نظام استبدادی) شده است و باید بهوش باشیم که مبادا مردم از نظام مأیوس شوند!!

با دقت در این سخن متوجه میشویم که بازسازی نظام خمینی برای استمرار نظام استبدادی به شکلی دیگر و حیل‌های جدید است. و ایضاً می‌خواهد بگوید که مردم ایران هنوز از نظام خمینی مأیوس نشده‌اند!! اما از یأس نزدیک شده‌اند!!

این اظهارات بیان میدارند که نمایندگان نظام استبدادی هم مجبور شده‌اند بعضی از واضحات را اعتراف کنند و دوست و دشمن و جمیع اطراف بدین نتیجه رسیده‌اند:

نظام استبدادی خمینی، مصیبت بار و استبداد آفرین و عامل فقر عام و آوارگی مردم ایران است و راه چاره تنها در برکناری آن و برقراری آزادی و مردم‌سالاری است.

الله اکبر الله اکبر سلام بر موحدین
مرگ بر استبداد برقرار باد آزادی
برکنار باد نظام استبدادی خمینی
برقرار باد جمهوری متحده مردمی
شعله ور باد قیام پایانبخش توده‌ها
پیش بسوی آزادی و مردم‌سالاری
و کثرت‌گرایی

سازمان موحدین آزادیخواه ایران
۲۵ آذر ۱۳۷۹ - ۱۸ رمضان ۱۴۲۱